

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۱۰ اپریل ۲۰۲۰

رویکرد جمهوری اسلامی در مقابله با ویروس کرونا

اثرات مخرب و حوزه فرمانروایی ویروس کرونا بر زندگی مردم از یکسو، و بی‌لیاقتی و ناکارآمدی دولت‌مردان وابسته به امپریالیسم از سوی دیگر، به‌طور بسیطی جامعه ایران و زندگی مردم را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. بی تردید اولین بار نیست که جامعه و میلیون‌ها انسان دردمند ایران، با چنین فاجعه و رخدادهای دل‌خراشی روبرو اند. تلف شدن هزاران نفر در اثر حوادث طبیعی و پیش‌گیرنده‌ای همچون سیل، باد و باران و آتش‌سوزی، خودکشی کارگران در اثر نداری و فقدان امکانات ایمنی و کاری، تعرض وحشیانه به خوابگاه دانشجویان معترض و ضرب و شتم آنان، حمله به زنان و قطع دست و پا قربانیان نظام امپریالیستی، اعدام در ملاعام و قتل عام هزاران زندانی سیاسی کمونیست، مبارز و مخالف در دوره‌های متفاوت و به ویژه در دهه شصت، نماد ناهنجار جامعه‌ای است که نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران مولد آن‌هاست.

قبل‌تر و در نوشته «[سیستم حاکم بر جهان، در خدمت به بشریت نیست](#)» اشاراتی شده است که نظام جمهوری اسلامی را می‌بایست، در مقیاسی دیگر و فراتر از آنچه را که این‌روزها، فضای جامعه ایران را احاطه کرده است، مورد بررسی و بازنگری قرار داد؛ اشاراتی شده است که سردمداران رژیم جمهوری، کمترین نزدیکی و قرابتی با محترم شمردن به حقوق و سلامتی سازندگان اصلی جامعه ندارند، و نیز اشاراتی شده است که با وجود چنین نظام‌هایی، جامعه و مردم از قید و بندهای اسارت‌بار و بندگی نجات نخواهند یافت. به این دلیل که نظام جمهوری اسلامی را قدرت‌مداران بین‌المللی به جامعه و به مردم تحمیل کرده‌اند تا جنبش‌های کارگری و اعتراضی میلیون‌ها توده ستمدیده را از مسیر اصلی‌اش منحرف کند. به جرأت می‌شود گفت که در این‌مدت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هم در چهارچوب وظایف و سیاست‌های دیکته شده امپریالیستی سنگ تمام گذاشته‌اند و متعاقباً جامعه هم به انحای جوراجور، شاهد تعرض بی‌وقفه، چپاول‌گری و کاهلی منادیان سرمایه در برابر نیازهای بدیهی توده‌های ستمدیده بوده است. به هر حال فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ تعرض به معیشت مردم، فرهنگ تخریب زیرساخت‌های جامعه و نیز فرهنگ سهل‌انگاری و لاپالی در برابر حوادث طبیعی است.

پس حاکمان ایران در همان مسیری در رفت‌وآمدند که قدرت‌مداران بین‌المللی در مقابل‌شان قرار داده‌اند. علی‌رغم چنین باوری می‌توان و در حقیقت می‌شود به پدیده‌های دست‌ساز و متفاوتی همچون ویروس کرونا به‌طور مجزا برخورد نمود، اما تفکیک آن با سیاست‌های کلی نظام، ناصحیح و طبیعتاً ما را از توضیح ماهیت حقیقی سردمداران نظام

جمهوری اسلامی باز خواهد داشت. چرا که حکمرانان ایران طی چهار دهه و - آن هم - در ابعادی فراتر از ویروس کرونا، جان مردم را گرفته‌اند و به میزانی فراتر از پدیده کنونی، طناب ترس و وحشت و ناامنی مردم را سفت و سفت‌تر کرده‌اند؛ به مدت چهار دهه جان مردم را به لب‌شان رسانده‌اند. بدین‌سان می‌توان گفت که مضامین و واژه‌هایی همچون امنیت زیستی و سلامتی مردم، و نیز محیط‌زیستی و حفظ و حراست از مراتع طبیعی و جنگل‌ها و آن‌هم در زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی خالی از محتوا و فاقد اعتبار می‌باشد. شوربختانه زندگی در ایران برای توده‌های ستم‌دیده به مانند به مرگ تدریجی شده است و روزانه صدها نفر در اثر سیاست‌های غیر انسانی حکومت‌مداران جان می‌دهند؛ هزاران کودک به جای حضور در سر کلاس‌ها، در خیابان‌های ناامن ایران سرگردان‌اند، گورخوابی در اثر نداشتن سقف به شیوه زندگی قربانیان نظام امپریالیستی تبدیل گشته است، بیش از ده میلیون نفر حاشیه نشین‌اند، اعتیاد جوانان روبه افزون است و خلاصه هزاران نفر از فارغ‌التحصیلان به خیل بیکاران پیوسته‌اند. این تصویر جامعه مطابق با سیاست‌های سران رژیم جمهوری اسلامی‌ست که جهان انسانی با آن رودرست.

در بستر چنین حقایق ناگواری، دودلی نیست که سلامتی و مقابله با صدها مصیبت اجتماعی، بهداشتی و ایمنی مردم، نمی‌تواند از جمله اولویت‌های نظام‌های سرمایه‌داری و به خصوص نظام جمهوری اسلامی به حساب آید؛ به این سبب که نظام‌های حاکم در جهان و به ویژه نظام جمهوری اسلامی از زمره ویروس‌های اصلی و نیز ناقل هزاران درد و مرض به جامعه و به مردم‌اند؛ در چنین نظام‌هایی مرض و مریضی، دوا و درمان نظیر هزاران مورد دیگر طبقاتی‌ست و در این بین، مردم و پائینی‌ها فاقد کمترین نظام حفاظتی و اجتماعی‌اند. پس رفتار، پنهان‌کاری و رویکرد دولت جمهوری اسلامی پیرامون مقابله با ویروس کرونا را نمی‌شود، به‌عنوان امر عجیب و غریبی به‌حساب آورد. آن‌قدر میزان مصیبت‌های وارده به مردم و کتمان حقایق از جانب سران حکومت بالاست که صدای خودی‌ها و مدافعان نظام هم در آمده است. در این رابطه «محمد سالاری»، نماینده شورای شهر تهران در جلسه شورا، خطاب به مسئولان وزارت بهداشت پیرامون دروغ‌گویی سران حکومت گفت: "حتی اگر به قیمت برکناری یا کناره‌گیری‌تان باشد برای مردم واقعیت‌ها را بگوئید و روشن کنید که اگر این روند ادامه پیدا کند، کشور به چه وضعیتی دچار می‌شود".

بیش از چهل سال است که سران نظام با کلاشی و با ریاکاری، با تبلیغ و ترویج جهل و خرافه و با سرکوب درمندان بر مسند قدرت تکیه زده‌اند، آن‌وقت «محمد سالاری» از سارقان جامعه می‌خواهد تا "حقیقت" را با مردم در میان بگذارند و با آنان سراسر راست باشند!! خلاف نظر «محمد سالاری» باید گفت که دروغ‌گویی در ذات نظام جمهوری اسلامی‌ست و پس هرگونه تفلاد و تلاش برای وادار کردن ارگان‌های ذیربط و وابسته به دولت و حکومتیان به حقیقت‌گویی، چیزی جز انحراف اذهان عمومی و تظہیر ماهیت جنایت‌کار نظام جمهوری اسلامی نیست. ار "رهبر" نظام گرفته تا رئیس جمهور و وزیر بهداشت، وزیر کار و دیگر دم و دستگاه‌های حکومت و دولت، همه و همه، در خدمت به سیستم و مناسبات حاکم بر جامعه‌اند. این جامعه دست‌پخت جانینانی‌ست که محروم از سیستم دفاعی مردمی و نیز پشتوانه عملی در برابر بحران‌ها و یا حوادث پیش‌گیرنده است. در پرتو چنین نظام‌هایی، کار در اثر استثمار بی‌رحمانه صورت می‌گیرد و نیز زیرساخت‌های جامعه هم بی‌نصیب از استانداردهای لازمه و مقابله با حوادث طبیعی است؛ چرا که خشت سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی، مطابق با تضمین زندگی و تأمین منافع سازندگان اصلی ریخته نشده است که براحتی، خودنمایی و روند مخرب آن را می‌شود، در بخش‌های متفاوت جامعه و در زندگی مردم، آشکارا دید.

بدین ترتیب استنتاج بی‌واسطه‌ای نیست که علل آن یعنی گستردگی اوضاع نابسامان و ناهنجار جامعه را می‌باید به سیستم تحمیل شده حکمرانان ایران نسبت داد. رفتار و رویکرد سران حکومت و آن‌هم به‌همراه دم و دستگاه‌های سرکوب که به‌مدت چهار دهه، به منابع اقتصادی و تولیدی چنگ انداخته‌اند، نشان‌گر این واقعیات است که فضا و چرخه

جامعه، مطابق با خواست‌های کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی نیست. عده‌ای سودجود و سرکوبگر را بر سر کار گمارده‌اند و مردم را با دو انتخاب و وضعیتِ دوگانه‌ای قرار داده‌اند. یا تسلیم و اطاعت در برابر برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعیِ منطبق با خواست‌های طبقه حاکمه؛ یا ایستادگی، مبارزه و مقاومت در میدان‌های احاطه شده از نیروهای سرکوبگر و نابرابر. به طور یقین مردم انتخاب خود را از همان روزهای آغازین حاکمیت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و آن‌هم با صدای رسا، عملی و با حضور در خیابان‌ها اعلام کرده‌اند؛ اعتراض میلیونی زنان در برابر سیاست «یا روسری، یا توسری»، صف‌آرایی مسلحانه خلق رزمنده گرد و ترکمن‌صحرا در مقابل ارگان‌های سرکوبگر و حافظ بقای امپریالیستی، اعتراضات بیکاران، مقاومت و ایستادگی دانشجویان در برابر "انقلاب فرهنگی" رژیم در درون دانشگاه‌ها و شهرهای ایران، اعتصابات و اعتراضات بی‌شمار کارگران در حول و حوش بیکارسازی و کسب حقوق‌های معوقه‌شان در میدانی تولیدی - ساختمانی و غیره، مبین افکار کارگران، زحمت‌کشان، زنان، دانشجویان و جوانان، در برابر سیاست‌های ضد کارگری و ضد توده‌ی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است.

در هر صورت لازم و ضروری‌ست تا به منظور ثوری از خطاهای سیاسی، اوضاع فعلی جامعه ایران را از سیاست‌های عملی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی منفک نکرد. با این اوصاف دروغ‌گوئی و رویکرد سران حکومت پیرامون مقابله با ویروس کرونا یکبار دیگر، دربرگیرنده این نظر است که نظام جمهوری اسلامی، نه قابلیت حفظ و حراست از جان و مال مردم را دارد و نه حاضر به حقیقت‌گوئی و برخورد جدی با حوادث متفاوت و رودررو است. دستکاری آمار و ارقام و مرگومیر هزاران انسان بی‌دفاع در اثر ویروس کرونا، و متعاقباً بی‌مبالاتی سران حکومت، چیزی جز دنباله‌روی از سیاست‌های امپریالیستی و نیز گردش سرمایه و سودآوری در درون جامعه ایران نیست. پُر واضح است که در چنین سیستم‌هایی سود و به گردش درآوردن چرخ‌دنده‌های استثمار، از جمله اولویت‌های نظام‌های سرمایه‌داری را تشکیل - داده و - می‌دهد و بی‌دلیل هم نیست که روحانی رئیس جمهور نظام در دوران ترس و وحشت و ناامنی جانی میلیون‌ها انسان، به جای ایجاد حصارهای دفاعی و حمایت‌کننده مردمی، زمزمه: "فعالیت دوباره کسب و کارهای «کم‌ریسک» را" سر داده و تأکید داشته است که، "از آغاز هفته آینده، تمامی استان‌های ایران - به غیر از تهران - از بیست و سوم فروردین [حمل]، و نیز تهران از سی‌ام فروردین فعالیت خود را از سر بگیرند. نمی‌توان و نباید فعالیت‌های اقتصادی را متوقف کرد. باید پروتکل‌های بهداشتی اجراء شوند و دولت بر اجرای پروتکل‌ها نظارت می‌کند"!!

یعنی این‌که علی‌رغم حیات چند ماهه و "غیر مهار" ویروس کرونا در سطح جامعه و به خانه هزاران کارگر و زحمت‌کش، می‌باید در دکان‌های سودده را باز کرد و اجازه بیش از پیش از دست رفتن مردم را داد؛ یعنی این‌که جان مردم در برابر فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌داران ارزشی ندارد. برای این‌که نمی‌شود به‌مدت طولانی چرخه‌های سودده جانبران بشریت را متوقف کرد. پس می‌باید "کسب و کار کم‌ریسک" را فعال کرد و به‌موازات آن بر "پروتکل‌های بهداشتی" نظارت داشت!!!

براستی وقاحت و بی‌شرمی در قاموس نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله نظام جمهوری اسلامی عدد و رقمی ندارد. هم چنین آشکار شده است که علم نه در خدمت به جامعه و بشریت، بلکه در جهت ترویج و گسترش بی‌عدالتی‌ها، انباشت بیش از پیش سرمایه طبقات بالادست، در ازای نابودی جان و زندگی طبقات فرودست است. متأسفانه این‌روزها - و بنابه دلایل چندی -، حکومت‌مداران بزرگ زندگی میلیاردها انسان را به ترس و وحشت انداخته‌اند تا قدر قدرتی خود را به‌نمایش بگذارند؛ سمی‌ترین و گشنده‌ترین ویروس‌ها را در درون جوامع متفاوت پخش کرده‌اند تا از جنگ‌های

بیولوژیک، سیاسی و تجاری "پیروز" بدر آیند؛ از مردم قربانی می‌گیرند تا جناح‌های رقیب امپریالیستی را پس زنند؛ جنگ میکروبی به بهانهٔ مقابله با ویروس‌های قابل پیش‌گیری به راه انداخته‌اند، تا نقشه‌های پساکرونا را به پیش برند؛ حقیقتاً ویروس‌هایی که در آزمایشگاه‌های وابسته به قدرت‌مداران بین‌المللی ساخته و پرداخته شده و در خدمت به سودآوری شرکت‌های کلان و نیز صنعت داروسازی است. البته ناگفته نماند که پخش میکروب‌های متفاوت در میان مردم و در ادامه پنهان‌کاری و سهل‌انگاری دولت‌های بزرگ و وابسته بدانان، موضوع و یا موضوعات تازه‌ای نیست. از اوایل دههٔ چهل دولت امریکا، سیاست جنگ‌های بیولوژیک علیه کشورهای متفاوت - و در حقیقت علیه مردم - را در مقابل خود قرار داده است و صرف‌نظر از جنگ‌های تبلیغاتی پیرامون این و یا آن قدرت امپریالیستی، آنچه آشکار می‌باشد آن است که دود اصلی آن، به چشم میلیاردها انسانی می‌رود که فاقد امکانات حفاظتی اولیه و درمانی‌اند.

خلاصه و در این‌میان حاکمان ایران هم به مانند گذشته، مردم را در وسط بیماری و گرسنگی - و در حقیقت مرگ و زندگی -، قرار داده‌اند تا سیاست‌های امپریالیستی، یعنی بی‌توجهی به جان مردم و ایجاد ترس و وحشت را پی گیرند. دروغ‌گوئی، پنهان‌کاری، تبلیغ و ترویج خرافات، نسخهٔ فاصله‌گیری انسانی - اجتماعی و در ادامه بیان عدم مسئولیت‌پذیری مردم در مقابله با ویروس کرونا و همچنین سرکوب ده‌ها شورش و اعتراض زندانیان در زندان‌هایی همچون خرم‌آباد، الیگودرز، زندان مرکزی تبریز، سقز، زندان مرکزی اورمیه، زندان فشافویه، زندان همدان، مهاباد، عادل‌آباد شیراز، زندان‌های سپیدار و شیبان اهواز، گویای جایگاه مسئولیت‌پذیری و رویکرد نظام جمهوری اسلامی نسبت به فاجعهٔ دل‌خراش ویروس کرونا در درون جامعه و زندان‌های مخوف است.

به طور مثال "رهبر" نظام حدوداً سه ماه قبل پخش ویروس کرونا در میان مردم را توطئهٔ "دشمن" در عقیم گذاشتن انتخابات مجلس دانست. رئیس‌جمهور محبوب نظام هم از محدود بودن و از مهار آن در درون جامعه حرف زد و سر آخر «علم الهدی» (نمایندهٔ مجلس خبرگان رهبری، امام جمعه مشهد و نمایندهٔ ولی فقیه در استان خراسان رضوی) هم در چهارچوبهٔ ترویج جهل و خرافه و چپاول‌گری اماکن مذهبی گفته است: "باید هر چه زودتر درب حرم‌ها به سوی مردم باز شود، چون امام زمان بشدت از این‌موضوع دلخور و ناراحت هستند".

دسته دسته قشرهای پائینی جامعه و کادرهای دلسوز، متعهد و پرستاران فاقد امکانات اولیهٔ ایمنی و حفاظتی در درون بیمارستان‌ها و دیگر خدمات درمانی در اثر فاجعهٔ کرونا جان می‌دهند و آن‌وقت دولت‌مردان و جانبانی همچون «علم الهدی» از راه انداختن دم و دستگاه‌های سودده و باز کردن درب‌های جهل و خرافه حرف به‌میان می‌آورند!! جامعهٔ ایران در اثر سیاست‌های استثمارگرانه و چپاول‌گرانهٔ سران نظام جمهوری اسلامی در حال ترکیدن است و افزون بر این‌ها ابعاد فاجعه و بی‌قیدی سران نظام آن‌قدر بالاست تا جایی که «عبدالکریم حسین‌زاده»، نمایندهٔ نقده در مجلس نوشت: "تلنبار شدن اجساد در قم و درماندگی مردم رشت گواه ناکارآمدی‌های صورت گرفته در این اطلاع‌رسانی و هشدار به موقع کرونا است". و در ادامه به سران حکومت "توصیه" می‌کند "شهرها را که قرنطینه نکردید، حالا که در پیک زمان شیوع هستیم دست کم قرنطینهٔ خانگی در قم و رشت الزامی کنید تا در تعداد کشته‌شدگان رکورددار جهانی نشده‌ایم".

آری، این رویه و جامعهٔ ساخته و پرداختهٔ نظام جمهوری اسلامی در قبال نیازها و جان میلیون‌ها انسان دردمندی‌ست که گوشه‌ای هر چند کوچک از آن از طرف نمایندهٔ نقده طرح می‌شود؛ نظامی که در عرصه‌های گوناگون به یکی از پرچمداران تعرض و کُشت و کُشتار کارگران و زحمت‌کشان، جوانان، کودکان کار، خیابانی، آواره کردن مردم از خانه و کاشانه‌شان، سرکوب وحشیانهٔ زندانیان و تخریب زیرساخت‌های جامعه و بالاخره تاراج و غارت اموال عمومی تبدیل گشته است. پس بی‌تفاوتی، بی‌مبالاتی و رویکرد سران نظام نسبت به پدیدهٔ ویروس کرونا، بی‌ارتباط و مستقل از

سیاست‌های تاکتونی‌شان نیست؛ هم چنین بی‌ارتباط و مستقل از سیاست‌های فاجعه‌بار جهان سرمایه‌داری در قبال جان و مال مردم نیست. حقیقتاً تا زمانی‌که ویروس‌هایی همچون خامنه‌ای، روحانی و دیگر ارگان‌ها و دم و دستگاه‌های سرکوب‌ذیربط نظام، در درون جامعه حیات دارند، ماشین تلفات مردم از حرکت باز نخواهد ایستاد و همچنان قربانی‌های بیش‌تری خواهد گرفت. یگانه راه نجات جامعه ایران و تمامی جوامع سرمایه‌داری، منوط به سرنگونی حاکمان دروغ‌گو و سرکوب‌گر است؛ امری که وابسته به حضور، دخالت‌گری عملی و رودروئی نمایندگان سیاسی و حقیقی طبقه کارگر و زحمت‌کش با ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی‌ست.

۱۰ اپریل ۲۰۲۰

۲۲ فروردین [حمل] ۱۳۹۹